

## سخن سردبیر: ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های تربیت معلم ایران

تاریخ تربیت معلم ایران، تاریخ معارضة دو دیدگاه و ایدئولوژی اساسی است: «تربیت معلم مدرسه‌ای» و «تربیت معلم دانشگاهی». این معارضة وقتی کاشته شد که تربیت معلم در دارالمعلمین به دو کلاس تقسیم گردید: کلاس مقدماتی و کلاس عالی. بعداً هم منجر به دانشسرای مقدماتی و دانشسرای عالی شد. با تشکیل دو وزارتخانه برای تولید آموزش مدرسه‌ای و آموزش دانشگاهی، مساله اندکی پیچیده‌تر شد و از سطح معارضة دو واحد یک وزارتخانه فراتر رفت. موضوع به حیثیت و صلاحیت ارتباط پیدا کرد و مساله «انحصار» هم رخ نمایان نمود.

این بود که تربیت معلم دانشگاهی موضوعی متعلق به دانشگاه‌ها تعریف شد و در حوزه اختیار وزارت «آموزش عالی» قرار گرفت و تربیت معلم مدرسه‌ای به دانشسراها و بعد مراکز تربیت معلم سپرده شد و در حوزه اختیار وزارت «آموزش و پرورش» تعریف شد. تا زمانی که این دو نهاد به دو سطح متفاوت تحصیلات می‌پرداختند، دو وظیفه تفکیکی مطرح بود. وظیفه تربیت معلم را «آموزش و پرورش» در اختیار داشت و در مراکزی که همه چیزش در اختیار خودش بود، به تربیت معلمان در سطح تحصیلات کاردانی اقدام می‌کرد. و البته میزان پذیرش دانشجوی وظیفه تربیت دبیر را «آموزش عالی» برعهده داشت و در سطح تحصیلات کارشناسی توسط دانشگاه‌ها به اینکار اقدام می‌کرد. باوجوداین، میزان پذیرش دانشجوی دبیری توسط دانشگاه‌ها در اختیار آموزش و پرورش بود. این تقسیم‌گرچه مبنای عمل بود، اما گاه و بی‌گاه وزارت آموزش عالی به برنامه‌های درسی تربیت معلم ورود می‌کرد و وزارت آموزش و پرورش به وضعیت صلاحیت‌های دبیران دانش‌آموخته دانشگاه‌ها خرده می‌گرفت.

باوجوداین، دادوستدی پنهان در جریان بود و امور با ظاهری آرام استمرار داشت. آنچه موازنه را بر هم زد، رخدادهای دهه هشتاد قرن چهاردهم شمسی بود که به آشکارشدن برخی تمایلات و آرزوهای پنهان، انجامید. موضوع به تصمیم دولت مربوط است که در مصوبه هیات وزیران، نمایان شد: هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۳، ۱۲، ۱۲ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور،

موضوع نامه شماره ۱۴۰، ۱۹۹۲۶، مورخ ۱۳۸۳، ۸، ۱۱ و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

۱ - سطح تحصیلات معلمان و مربیان برای تدریس در دوره‌های تحصیلی راهنمایی و متوسطه، دارا بودن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا بالاتر در رشته مربوط و طی دوره یکساله تخصصی برای آشنایی با فنون تعلیم و تربیت که نیمی از آن قبل از شروع خدمت آموزشی طی خواهد شد، تعیین می‌گردد.

تبصره - در مناطقی که با اعلام عمومی، امکان جذب و تأمین نیروی انسانی واجد شرایط به تعداد کافی به ترتیب مذکور در بند یک، متناسب با رشته و جنسیت وجود ندارد، سطح حداقل تحصیلات، کارشناسی در رشته مربوط و طی دوره کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت که حداقل یک سوم آن قبل از خدمت آموزشی طی می‌گردد، تعیین می‌شود. دو سوم باقیمانده دوره، به طور پودمانی یا شیوه‌های دیگر طی هفت سال ابتدای خدمت برگزار خواهد شد و به افرادی که این دوره را با موفقیت طی نمایند، مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد اعطا خواهد شد.

۲ - سطح تحصیلات کارکنان، معلمان و مربیان در دوره ابتدایی، دارا بودن مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر (در رشته‌هایی که عناوین آن در طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل تعیین می‌گردد) و طی دوره تخصصی یکساله آشنایی با فنون تعلیم و تربیت که نیمی از آن قبل از شروع خدمت آموزشی خواهد بود، تعیین می‌گردد.

تبصره ۱ - در مناطقی که براساس اعلام عمومی، امکان جذب دارندگان مدرک تحصیلی کارشناسی وجود ندارد، با طی دوره دو ساله که یک سوم آن قبل از خدمت برگزار می‌گردد، حداقل سطح مدرک تحصیلی مذکور در بند دو به کاردانی کاهش می‌یابد. دو سوم باقیمانده دوره، به صورت پودمانی طی هفت سال ابتدای خدمت برگزار می‌گردد و به افرادی که این دوره را با موفقیت طی نمایند، مدرک تحصیلی کارشناسی اعطا خواهد شد.

سخن سردبیر: ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های تربیت معلم ایران

تبصره ۲ - آموزش و جذب نیروی انسانی در رشته‌هایی که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری امکان آموزشی آن را در حال حاضر ندارد، همچنان به روش موجود در مراکز تربیت معلم انجام می‌شود.

تبصره ۳ - فارغ‌التحصیلان رشته‌های دبیری و آموزگاری از شرط طی بخشی از دوره قبل از شروع خدمت آموزشی مذکور در بندهای یک و دو مستثنی می‌باشند.

این مصوبه به طور آشکاری به نفع تربیت معلم دانشگاهی بود. این وضعیت نمی‌توانست از سوی متولیان تربیت معلم مدرسه‌ای در آموزش و پرورش، پذیرفته شود. آنان مایل نبودند زمام امور تربیت معلم را ازدست بدهند. در پیگیری مقاصد خود، اعلام کردند که برای سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ به تربیت دبیر توسط دانشگاه‌ها نیاز نیست! در پی این تصمیم، ده‌ها دانشگاه که برای اینکار سرمایه‌گذاری کرده بودند (اعم از تدارک نیروی انسانی، تدارک منابع مطالعاتی، تدارک ساختار و روابط با نظام آموزشی) یکباره ناچار شدند به تغییر سیاست‌های خود اقدام کنند و از این طریق، فقط بخشی از سرمایه خود را بازیابی نمایند! در آن زمان کسی آموزش و پرورش را مورد خطاب قرار نداد که چرا سرمایه‌گذاری ملی برای تربیت دبیر را با یک تصمیم غیرکارشناسی، برباد می‌دهد؟

اما، واقعیت پنهان آن بود که این تصمیم بر بنیاد مصالح آموزش و پرورش یعنی بی‌نیازی به تربیت دبیر نبود؛ بلکه تاکتیکی بود برای جابجایی عامل تربیت در دوره کارشناسی. بلافاصله در همان زمان که طرح کاهش و بعد حذف پذیرش دانشجوی دبیری در دوره‌های کارشناسی دانشگاه‌ها دنبال می‌شد، ایده تشکیل دانشگاه توسط آموزش و پرورش نیز مطرح گردید. تمام تلاش‌های آموزش و پرورش برای تاسیس دانشگاه به سبب وجود دانشگاه‌هایی با همین مأموریت، مخصوصاً دانشگاه تربیت معلم تهران با چهار واحد بزرگ اقماری در اراک، کاشان، تبریز و سبزوار، از سوی وزارت علوم با مخالفت مواجه شد.

چنین شد که کارگزاران آموزش و پرورش تدوین سند تحول آموزش و پرورش در اواخر دهه هشتاد را فرصتی یافتند تا موضوع تاسیس «دانشگاه ویژه فرهنگیان» را در آن وارد کنند؛ و کردند! با وجود این، وقتی که قرار شد آنان به تاسیس دانشگاه اقدام کنند به شکلی بسیار شتابزده به نگرش اساسنامه‌ای نامنسجم اقدام کردند و با واگذاری بخش مهم امکانات آموزشی «دارای استانداردهای آموزش عالی» وزارت آموزش و پرورش یعنی آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای، به

وزارت علوم، موفق شدند «دانشگاه فرهنگیان» را بر زمین نه چندان آباد مراکز تربیت معلم، که تقریباً تمام آنها فاقد استانداردهای آموزش عالی بودند، بنا گذاشتند. دانشگاه فرهنگیان بر اساس اساسنامه خود:

دانشگاهی است: برای تأمین، تربیت و توانمندسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش، پیشرو در آموزش، پژوهش، تولید و ترویج علم نافع مورد نیاز آموزش و پرورش، سرآمد در آموزش و شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی تربیت‌محور، توانمند در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی و تربیتی در انجام مأموریت‌ها، مبتنی بر معیارهای نظام اسلامی، توانمند در زمینه‌سازی برای شکوفایی فطرت، استعدادها و شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی - ایرانی - انقلابی دانشجو معلمان، برخوردار از هیأت علمی و مدیران مؤمن، آراسته به فضائل اخلاق اسلامی، عامل به عمل صالح، تعالی جو و تحول‌آفرین، باورمند به جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی)، وابسته به وزارت آموزش و پرورش ... تأسیس و طبق مفاد این اساسنامه، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضوابط و مقررات وزارتین آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری و قوانین و مقررات مربوط اداره می‌شود.

این چنین شد که در سال ۱۳۹۱، ابتدا تاسیس دانشگاه فرهنگیان و آنگاه تغییر نام و اهداف دانشگاه‌های تربیت معلم کشور، انجام گرفت. این دانشگاه امروز منابع کالبدی لازم بر اساس شاخص‌های وزارت علوم برای تربیت حداکثر بیست هزار دانشجو را دارد. در قانون برنامه ششم توسعه، نسبت دانشجو به استاد در دانشگاه‌های دستگاه‌های اجرایی، یک به بیست تعیین شده است. دانشگاه فرهنگیان با ۸۰۳ نفر هیأت علمی (گزارش ثبت شده در سایت رسمی دانشگاه به تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۹۹) می‌تواند: ۱۶۰۶۰ دانشجو داشته باشد؛ اما در همین زمان ۷۸۰۲۲ دانشجومعلم و ۱۰۹۹۵ مهارت‌آموز داشته است. این بدان معناست که سرانه آن برای دانشجومعلم، ۹۷،۲ است و با احتساب مهارت‌آموزان، ۱۱۰،۹ خواهد شد. چنین سرانه‌ای حتی از بیش از دو برابر سرانه دانشگاه‌های غیردولتی در سال ۱۳۹۹، یعنی ۴۵ نفر است!

سخن سردبیر: ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های تربیت معلم ایران

مگر در دانشگاه فرهنگیان چه چیز وجود دارد، که سایر دانشگاه‌های جمهوری اسلامی از آن محروم‌اند؟ دانشگاه‌های کشور، همه بر اساس مقررات یکسانی به جذب و نصب نیرو و تامین امکانات خود اقدام می‌کنند که یا در حوزه وزارت علوم و یا در حوزه شورایی انقلاب فرهنگی مطرح و تصویب می‌شود. کدام امر اختصاصی در دانشگاه فرهنگیان هست، که آن را صاحب برندی بی‌بدیل کند؟ کدام برنامه‌های آموزشی یا فرهنگی یا اجتماعی در دانشگاه فرهنگیان اجرا می‌شود یا می‌تواند اجرا شود که سایر دانشگاه‌ها از عمل به آن، ناتوان باشند؟ اگر به چهار زمینه اساسی کیفیت فعالیت‌های آموزش عالی نظر کنیم، شاید بهتر بتوانیم به تفاوت‌های دانشگاه فرهنگیان با دانشگاه‌های کشور پی ببریم:

**اول امکانات کالبدی:** فضای کالبدی دانشگاه فرهنگیان حدود یک میلیون متر مربع بوده که بر اساس گزارش‌های سازمان نوسازی و تجهیز مدارس کشور در سال ۱۳۹۵، یک سوم آن تخریبی، یک سوم آن نیازمند تعمیر اساسی و فقط یک سوم آن دارای شرایط استفاده بود؛ و طی این سالها، فقط سهم بخش تخریبی بیشتر شده است.

**دوم. منابع انسانی:** بر اساس آنچه در سایت دانشگاه گزارش می‌شود، سرانه دانشجو هم اکنون بیش از ۹۰ نفر برای بخش اصلی و بیش از ۱۱۰ نفر برای کل دانشجویان است! این درحالی است که سرانه مجاز بر اساس قانون ششم توسعه برای دانشگاه فرهنگیان، ۲۰ نفر است.

**سوم. منابع تکمیلی آموزش:** کتابخانه‌های پردیس‌های دانشگاه، عموماً فاقد شرایط یک کتابخانه معمول هستند و از حیث منابع هم بسیار فقیر.

**چهارم. امکانات رفاهی:** محیط فیزیکی اغلب پردیس‌های دانشگاه فاقد شرایط لازم برای رفاه دانشجویی است. محیط‌های کوچک مدرسه‌ای، فاقد فضای سبز، فاقد امکانات تعاملی، و همچنین ظرفیت پایین خوابگاه‌ها با وجود سیاست پذیرش بوم، تراکم بسیار دانشجو را در پردیس، خوابگاه و کلاس درس در پی دارد. گرچه شرایط کرونایی کشور این مصائب را پنهان کرده است، اما همچنان دانشگاه با مشکلات اساسی کشش سامانه‌ها برای تدریس مجازی مواجه است.

این امکانات محدود، چه جایی برای تربیت باقی می‌گذارد؟ اصولاً پردیس‌های دانشگاه بهنگام آموزش حضوری فقط به تشکیل کلاس اندیشه می‌کنند و سعی دارند حضور دانشجومعلم را به حداقل ممکن برسانند. نبود امکانات حضور آموزشگران در بسیاری از

پرديس ها، مانع تعاملات بين استاد و دانشجو بود. چنين فضايي چگونه مي تواند «تربيت محور» باشد؟

در چنين شرايطي، دانشگاه هايي در کشور داريم که علاوه بر فضا و امکانات آموزشي گسترده و ظرفيت هاي بالا، داراي منابع انساني غني هستند که از همان راه هايي جذب شده اند که منابع انساني دانشگاه فرهنگيان جذب مي شوند. درعين حال، داراي امکاناتي بيشتري و شرايطي بهتر حتي براي پيگيري سياست تربيت محوري هستند. تنها موضوعي که مي توانست براي دانشگاه فرهنگيان يک نقطه قوت باشد، وجود آموزشگران داراي سابقه تربيت معلم بود که آنان نيز طی سالهاي گذشته از دانشگاه خارج شدند و فرصتي نبود تا تجارب خود را به نسل جديد آموزشگران منتقل کنند.

حالا بايد پرسيد که چرا بر اين انحصار پذيرش و تامين تمام عيار منابع انساني آموزش و پرورش توسط دانشگاه فرهنگيان تاکيد مي شود؟ چرا جمعي از بهترين جوانان کشور در محروم ترين شرايط آموزشي و تربيتي کشور بايد به آموختن برترين شغل جامعه يعني معلمی مشغول باشند؟ اين فرمايش مقام معظم رهبري در کجا عمل اين دانشگاه نمود دارد؛ که در يازدهم ارديبهشت ۱۳۹۸ بيان فرموده اند:

... نوع کاري که در اين دانشگاه فرهنگيان و دانشگاه شهيد رجائي انجام ميگيرد بايستي موجب تربيت ديني و انقلابي معلمين باشد. کاري کنيد که مدرسه و کلاس، از معلمی بهره مند بشود که خود اين معلم به معنای واقعي کلمه معلم دين و تقوا و پارسايي و انقلاب باشد. فشار اين و آن را هم قبول نکنيد؛ شنیده ام که گاهي اوقات اعمال فشار ميشود از طرف مراکز گوناگون قدرت. زير فشار [قرار نگيريد]، مرّ قانون را رعايت کنيد، بر طبق قانون حرکت کنيد.

آيا قانون برنامه ششم توسعه کشور، قانون نيست؟ چرا بهنگام پذيرش دانشجو، قانون ششم توسعه رعايت نشده است؟ چرا از امکانات گسترده ملت در آموزش عالي اين کشور براي تربيت فرزندان ملت جهت تربيت استفاده نمي شود؟ چرا وقتي برترين دانش آموزان به گواه کنکور به اسباب متعددي متقاضی تحصيل در اين دانشگاه هستند و وارد مي شوند، آنان را با چنين محيط فقيري مواجه مي کنيم و اشتياق معلمی در آنان پژمرده شود؟ چه چيز در اين

سخن سردبیر: ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های تربیت معلم ایران

دانشگاه هست که آن را صاحب این حق می‌کند که چنین جمعیت عزیز و توانایی از فرزندان ملت را در این شرایط نامساعد تربیتی وارد گرداند و به سبب فعالیت انحصاری، آنان را از همه آنچه شاخص‌های آموزش عالی همین کشور محسوب می‌شود، محروم سازد؟ همان دانشگاه‌هایی اکنون آماده تربیت معلم هستند که طی تقریباً سه دهه اول استقرار جمهوری اسلامی به تربیت نسلی از معلمان اقدام کرده‌اند که امروز عهده‌دار بار سنگین آموزش در نظام مدرسه‌ای کشور هستند. هنوز از آن دوره عمل، اندکی بیش از یک دهه گذشته است!

آیا همچنان باور داریم که در تربیت معلم، «رنج» بنیاد «رستگاری» است؟ یا آنکه انحصار اگر شکسته شود، منافی از کسانی به خطر می‌افتد که هم اکنون فریاد برداشته‌اند؟ اینان چه کسانی‌اند؟ چرا منافع ملت در تربیت معلمان آینده لحاظ را نمی‌کنند و همچنان خواهان آموزش معلمان در شرایط فقر و فلاکت هستند؟

آنچه در پاییز امسال وزیر محترم علوم از مقام معظم رهبری درخواست کرده است، خروج از انحصار برای برخورداری تربیت معلم از امکانات آموزش عالی کشور است که به واسطه سرمایه‌گذاری ملت حاصل شده است. ایده اساسی ایشان سبب نوعی افزایش اعتبار و جایگاه والا برای دانشگاه فرهنگیان است که بدین شکل، نقش راهبری تربیت معلم کشور را ایفا خواهد کرد و نقش اجرایی را به دانشگاه‌های تراز برتر کشور می‌سپارد. نظرات وزیر محترم علوم، سه دستاورد اساسی برای دانشگاه فرهنگیان دارد:

اول. نشستن دانشگاه در جایگاه راهبری تربیت معلم

دوم. تن سپردن دانشگاه به قوانین جاری کشور برای اعتلای کیفیت خود

سوم. بهره‌مندی دانشجو معلمان از شرایط بهتر زیست تربیتی و کسب تجربه معلمی

چهارم. بهره‌گیری دانشگاه از امکانات موجود آموزش عالی کشور برای تامین معلم مورد نیاز آموزش و پرورش

سایر دانشگاه‌های کشور شرایط بهتری برای اجرای برنامه‌های درسی تربیت معلم دارند و مصلحت خاص دانشگاه و مصلحت عام تربیت معلم آن است که در مشارکت با آنها، تربیت معلم را دنبال کند و این نهاد نوپای ناتوان از ایفای این مسئولیت بزرگ را، توانا جلوه ندهد و موسسات هم‌تا را ناتوان نخواند.

خطاست اگر تصور شود که «انحصار تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان منجر به تامین منافع برای نظام آموزشی و پرورشی کشور خواهد شد». خطاست اگر تصور شود که «در شرایط کنونی دانشگاه فرهنگیان این امکان را دارد که محیط تربیتی مناسبی برای تربیت معلمان موثر فراهم کند». همچنین، خطاست اگر تصور شود «رنج تحصیل در دانشگاه، رستگاری در عمل معلمی را در پی دارد!» من باور دارم که این سه بنیاد، هر سه بر باد است! آنها توهماتی هستند که سرمایه‌های ملی را از سویی و توانهای جوانان را از سوی دیگر، تباه می‌کنند.

نعمت‌الله موسی‌پور